



یکی از هواداران تیم ملی کلمبیا قبل از شروع مسابقه تیم شان در مقدماتی جام جهانی در برابر برزیل، عکس از کار دین

کدو تنبل های حکاکی شده در حاشیه یک نمایشگاه در آلمان، عکس از خبرگزاری فرانسه



نورهای شفق خیره کننده در آسمان قطب شمال عکس از گاردین

دنیای پرهیز و پرهیز

آیات نور

تاثیر لجابت های انسان

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تفسیر آیات ۱۴ و ۱۵ سوره مبارکه دخان با این مضمون که «سپس از او روی گردانند و گفتند: «او(حضرت موسی علیه السلام) زن زده ای است که تعلیمش داده اند. البته ما برای مدت کمی برطرف کننده عذاب هستیم (لکن) شما دوباره از سر گیرنده هستید.» نکاتی را مطرح کرده اند که در ادامه می خوانید:

۱- خلافتکار برای کار خود توجیه تراشی می کند.

۲- لجابت، هم انسان را در عمل منحرف می کند و هم در گفتار. ۳- مشرکان، تعلیم انبیا را برگرفته از تعلیم جنیان می دانستند. ۴- خداوند بارها ناله ها را پاسخ داده و خطرها را برطرف کرده است. ۵- گنهگار، هرگاه قهر الهی را مشاهده کند، می گوید که ایمان آوردم ولی همین که خطر بر طرف شد، بر می گردد. ۶- انسان فراموشکار است، چند روزی از قهر خدا نگذشته باز به خلافتکاری بر می گردد.

تفسیر نور

سخن بزرگان



جمله قصار از تولستوی

به مناسبت سالروز تولد «لئو نیکولایوویچ تولستوی» رمان نویس مشهور روسی و نویسنده کتاب معروف «جنگ و صلح»، نگاهی خواهیم داشت به چند جمله ماندگار از او که در کتاب هایش نوشته شده یا در سخنرانی هایش گفته است.

۱- در دنیا لذتی که با لذت مطالعه برابری کند، وجود ندارد.

۲- نیکی همه چیز را مغلوب می کند و خودش هرگز مغلوب نمی شود.

۳- بشر تا زمانی که زندگی را به عنوان چیزی مقدس باور نداشته باشد و به همنوعان خود به چشم برادر نگاه نکند، زندگی دیگران را تباه خواهد کرد.

۴- دوست داشتن رحمت است. مورد محبت قرار گرفتن، خوشبختی است.

۵- بدون دانستن این که کیستم و چرا این جا هستم؟ زندگی نامکن است.

برترین ها

داستانک طنز

شیوه خاص بستن کمر بند ایمنی!

مردی در حال رانندگی در یکی از بزرگراه های اصلی شهر بود که ناگهان یک ماشین پلیس با چراغ و آژیر روشن پشت سرش ظاهر شد. مرد کمر بند ایمنی اش را نبسته بود بنابراین به محض این که به دستور پلیس توقف کرد، قبل از این که افسر پلیس به سمت پنجره ماشینش بیاید، سریع کمر بندش را بست. بعد از کمی صحبت در مورد سرعت بالا، افسر پلیس گفت: «می بینم که کمر بند ایمنی را بستی. آیا به این اعتقاد داری که کمر بند ایمنی باید همیشه بسته باشه؟» مرد پاسخ داد: «بله، البته جناب سروان!» افسر پلیس با تعجب گفت: «آیا همیشه کمر بند ایمنی ات را از داخل فرمون رد می کنی؟!»

ترجمه:فرنگیس یاقوتی

فتو نکته



اندک صبر

منتظر فردا نباش!

خورشید هر روز صبح به خاطر زنده بودن من و تو طلوع می کند هرگز منتظر فردای خیالی نباش

نیما یوشیج

دور دنیا

ساخت گلدان چینی با کارت بازی!



آدیتی سنترال/ «ژاک کوهو» هنرمند چینی با استفاده از کارت های بازی، گلدان و وسایل تزئینی می سازد که تشخیص آن از گلدان های چینی واقعا مشکل است! او آن چنان با مهارت خاصی کارت های پلاستیکی یا کاغذی را روی هم می چیند که آن ها را تبدیل به اثری هنری و بدیع می کند. این هنرمند ۶۵ ساله، سال هاست که در ساختن این گلدان ها و وسایل تزئینی مهارت پیدا کرده است.

شکلات کاکائویی صورتی!



آدیتی سنترال/ سال هاست که شکلات های کاکائویی تنها به سه رنگ سفید، قهوه ای تیره و قهوه ای روشن تولید و عرضه شده است اما یک شرکت معروف شکلات سازی سوئیسی تصمیم گرفت تا از یک گونه دیگر کاکائو، شکلات تهیه کند. با استفاده از این گونه گیاهی، شکلات به رنگ صورتی طبیعی در می آید و طعم متفاوتی هم خواهد داشت. این گیاه سال هاست که در ساحل عاج، برزیل و اکوادور رشد می کند اما این شرکت، اولین شرکتی است که تصمیم گرفت تا آن را به شکلات تبدیل کند.

ناپدید شدن خانه!



**دیلی میل/** یک خانواده روسی که همگی در شهرهای بزرگ کار می کنند و به همین علت هر یک ماه در خانه شان دور هم جمع می شوند تا تعطیلات شان را کنار یکدیگر سپری کنند، بعد از یک ماه دوری از خانه دیگر نتوانستند آن را پیدا کنند! این خانواده وقتی به محل زندگی شان بازگشتند متوجه شدند که تنها ملک شخصی شان نابود شده و جاده جدیدی جای آن را گرفته است. وسایل آن ها هم در گوشه ای در کنار جاده افتاده است! هیچ فرد حقیقی یا حقوقی حتی تماسی با اعضای این خانواده نگرفته است و تنها ملک شخصی و خانه آن ها بدون اطلاع شان برای احداث جاده تخریب شده است!



خودمونی

تیزبازی مایه تفاخر نیست!

حتما برای شما هم پیش آمده که در جمعی یک نفر از نپرداختن بلیت اتوبوس یا رعایت نکردن صف شلوغ و جاذبه در عنوان تیزبازی حرفه ای اش با آب و تاب و زیاد تعریف کند و این کار را به عنوان یکی از ۱۰ اثر تاثیرگذار عمرش انتخاب کند! راستش این قدر این قضیه برای من تکرار شده که هر بار صفت تیز و بز را می شنوم، ناخودآگاه فردی در ذهنم شکل می گیرد که حقوق دیگران را پایمال می کند؛ هر چقدر که شاید اصلا این گونه نباشد. واقعیت این است که از نظر من نه تنها این کارها اسمش تیزبازی نیست که مایه تفاخر هم نیست و اگر به این عده از جماعت برخوردی یک نوع زدنی است؛ چه پرداخت نکردن بلیت اتوبوس و چه رعایت نکردن صف و چه مثال های زیادی از این دست که حقوق دیگران را تضییع می کند. نکته دیگر این که تصور این افراد از تیزبازی هم از پایه و اساس اشتباه و یک ساده انگاری تمام است. چرا که برای خود ما بسیار اتفاق افتاده که دیدیم فردی صف را رعایت نمی کند اما به دلیل این که در جمع آبرویش را نبریم یا این که حال و حوصله درگیر شدن را نداریم از حق خودمان گذشته ایم. عین این ماجرا درباره راننده های اتوبوس و حمل و نقل عمومی نیز هست. آن ها با سیستم های جدید پرداخت الکترونیکی به طور مشخص آمار تعداد مسافر و تعداد استفاده از بلیت را دارند، گاهی هم تذکر می دهند اما برای الباقی اش راضی نیستند آبروی افراد را بریزند. با این شرایط اگر دیگران رعایت حال این افراد را می کنند و گاهی با ترجم چیزی نمی گویند، نوشتن این کار به اسم زنگ بازی، تیزبازی یا هر چیز دیگری از این دست اشتباه فاحش تری است. از آن بدتر این است که در جمعی که همه این موضوع را می دانند و در جامعه درک کرده اند از یک گناه به عنوان یکی از افتخارات زندگی یاد کنند! ماز یار حکاک



این کیه؟

عبدی پر حاشیه!

سلام. چهره پازل شده مسابقه این شماره، بازیگر ۵۷ ساله ای است که بیشتر در نقش های کمدی بازی می کند و با این که مرد است اما تا در ۲ فیلم «آدم برقی»، «خواب زده ها» و «خواب می آید» نقش یک زن را بازی کرده است! همان طور که تابلو شده است، پاسخ صحیح مسابقه این هفته مان «اکبر عبدی» بود. ۲۲۴ نفر در مسابقه این هفته شرکت کردند که همگی به درستی پاسخ مسابقه را ارسال کرده اند. جالب تر این که چند نفر از شرکت کنندگان، از عبارت «پر حاشیه» در پیامک های ارسالی شان استفاده کرده اند. برنده مسابقه این هفته مان هم، طبق قرعه کشی آقای «علی الهامی» از مشهد هستند. به امید خدا، عکس و کاریکاتورشان چهارشنبه همین هفته و همراه با مسابقه بعدی چاپ خواهد شد.

از شما

ترسانک

نیمه شب بود که به خانه رسید. در آسانسور را باز کرد و دکمه طبقه سوم را زد. قبل از این که آسانسور بالا برود، در باز شد و مردی داخل رفت. چیزی در نگاه آن مرد او را به وحشت انداخت. احساس کرد، دمای هوا به شدت پایین آمد. پایش جای سوال بود که آن مرد از ساکنان ساختمان نبود ولی چهره اش برای او خیلی آشنا بود به ویژه چشم هایش که خیلی مرموز و شریانه او را می نگریست. ناگهان او را شناخت. یک قاتل سریالی که دو سال پیش عکس او را در روزنامه ها دیده بود خودش هم صحنه اعدام آن مرد را از نزدیک دیده بود و حالا... آسانسور در طبقه سوم ایستاد، سریع از آسانسور بیرون پرید و با دستپاچگی در آپارتمانش را باز کرد. در را پشت سرش قفل کرد و نفس راحتی کشید. لامپ هال را که روشن کرد، درجا میخکوب شد. آن مرد روی مبل نشسته بود و با همان چشمان مرموز و لیخنید سرد به او می نگریست...

مخاطبان گرامی، شما هم می توانید مطالبتان را در تلگرام به شماره ۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ بفرستید

